برترین روزنامه‌ها

معمای برآشفتگی نتانیاهو و ترامپ

روزنامه کیهان در شماره دیروز خود نوشت: بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ، پس از اعلام آتش‌بس خودخواسته، اراجیف بسیاری سر هم کردند. آنها به وضوح عصبانی بودند، دشنام دادند و توهین و تهدید کردند. اما چرا؟! اگر کسی واقعاً طرف پیروز باشد، نباید تا این حد به هم ریخته و آشفته باشد که اختیار کلام را از دست بدهد و مُهملاتی بگوید که از سوی خود صهیونیست‌ها یا امریکایی‌ها مورد هجو قرار بگیرد.
اگر می‌خواهیم بدانیم که چرا ترامپ و نتانیاهو این قدر فشار می‌خورند، باید دقت کنیم که هدف‌شان از جنگ چه بود؟ هدف، فقط ترور فرماندهان و دانشمندان یا تخریب برخی تأسیسات نبود، بلکه شوکه و فلج کردن و تسلیم ایران بود، اما نتوانستند، بلکه ضربات راهبردی دردناکی خوردند که در ۸۰ساله پس از جنگ جهانی دوم و ۷۷ساله پس از تأسیس رژیم اشغالگر بی‌سابقه است. ترامپ از سوی نتانیاهو تحمیق شد و خسارت سنگینی را به اعتبار و اقتدار امریکا وارد کرد که ابعاد آن در آینده آشکارتر خواهد شد. حجم، شدت و عمق ضرباتی که رژیم‌صهیونیستی و حامی‌اش در جنگ خوردند، خارج از حد توصیف است. آنها در حالی خواستار آتش‌بس شدند که اسرائیل زیر ضرب رفته و پایگاه العدید در هم کوبیده شده بود.

شهر مقدس تهران

روزنامه همشهری در شماره دیروز خود نوشت: تهران هویت دارد، هویتی مقدس، هویتی که اگرچه قدمتی چندهزارساله دارد از مردمی زحمتکش، اهل کشاورزی و سفال‌سازی، اهل خاک و آب و آسمان و کوه و مقتدر وقتی به شرح و بسط کشیده می‌شود در یک دشت، اما به مرور پادشاهانی چون شاه‌طهماسب، پادشاه دانا و متعبد و شجاع صفوی آن را شکل دادند و کریم‌خان زند عادل نیز آن را مدتی پایتخت خود قرار داد. تهران را با نقاط کلیدی‌ای معرفی می‌کنند که یکی از آنها ری است و ری را با سیدالکریم(ع) باید شناخت، سفیر امام هادی که هدایت یافتن و هدایت دادن را به این مردم بیاموزد.
تهران را با ستارگان آرام گرفته در کنار سیدالکریم(ع) بشناسیم. با قائم‌مقام فراهانی که خودش و پدرش راه علما را برای جنگ با روسیه تزاری(نماینده غرب مدرن) باز کردند. استاد امیرکبیر حکیم که مسیر عقلانیت تقابل در مقابل غول هفت‌سر غرب را باز کرد. در کنار این سیدبزرگوار کرامت هم محمد خیابانی تا ابوالقاسم کاشانی و مهدوی‌کنی مبارز را می‌بینید و هم حق‌شناس و آقامجتبی تهرانی و خوشوقت اهل اخلاق و سلوک انقلابی را و هم محمدتقی فلسفی اندیشمند مبلغ را، اینجا روحانیت جلودار اهل تهران آرمیده‌اند که جلوه پیشرو بودن و سرآمد بودن برای پیشرفت و تعالی این مردمند.
هنوز مدت زیادی از دفن امیرعبداللهیان مظلوم و شهید نگذشته بود که عمرش را در مسیر اتصال جبهه بین‌المللی مقاومت مقابل غرب سپری کرد، حالا دو نشانه و آیت دیگر کنار سیدالکریم(ع) آرام گرفتند، یکی شهید سرفراز سپاه اسلام سلامی بزرگ که نطق‌های او و فرماندهی سراسر معنویت و حماسه‌اش از خاطر ایران نخواهد رفت و دیگری شهید طهرانچی که یاد دانشمندان مظلوم ایران را زنده می‌کند. شیعه وقتی متصل به قدرت شد، چه قدرت ابزار و چه قدرت علم، خطرناک شد برای آن جبهه شرک و ظلم شیطانی.

ایران و تشیع، هم‌سرنوشتی تاریخی و هویتی

روزنامه ایران در یادداشتی نوشت: اگر از منظر هویتی نگاه کنیم، یکی از پایه‌های اصلی هویت ایرانیان در طول تاریخ، دین و مذهب بوده است.
اگر لایه هویتی دینی را از جامعه ایرانی حذف کنیم، چه در ایران تاریخی و چه در ایران مدرن، یکی از اصلی‌ترین لایه‌های هویتی را از ایران گرفته‌ایم. بنابراین از ابعاد مختلف موضوع دین در ادبیات دینی با ایرانیت به شدت ممزوج است. این همانندی بسیار گسترده است.
امروز پس از ۴۶سال از انقلاب، بارها دیده‌ایم که مفهوم ایران و دین به شدت به هم پیوسته‌اند. ایرانی‌ترین کنش‌ها در این سرزمین، کنش‌های دینی بوده است. در تحولات و جنگ‌های اخیر نیز مبنای ایدئولوژیک جنگ، در چارچوب ایران اتفاق می‌افتد. مثلاً شهید سلیمانی، هرچند یک شخصیت ایدئولوژیک است، اما خود را سرباز این وطن می‌داند. امروز، پس از ۴۶سال، دیگر این‌گونه تفکیک‌ها و جداسازی‌ها معنا و جایگاهی ندارد. اگر کسی چنین دیدگاهی داشته باشد یا دین را به درستی درک نکرده است یا ایران را به درستی نمی‌شناسد. از هر زاویه‌ای که بنگریم، تطابق و همپوشانی دین و ایران بسیار عمیق و گسترده است. این تطابق نه تنها در بُعد تاریخی و هویتی، بلکه در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی نیز کاملاً مشهود است. نسبت ارزش‌های ایرانی و ارزش‌های دینی، همخوانی و هماهنگی بسیار بالایی دارد. بنابراین هر روایتی که در تعارض با این واقعیت قرار گیرد قطعاً ناشی از عدم شناخت دقیق دین یا ایران است. در نهایت باید گفت که ایرانیت و تشیع، دو عنصر جدایی‌ناپذیر از هم هستند که در طول تاریخ و فرهنگ این سرزمین، همواره در هم تنیده‌اند و هویت ایرانی بدون دین و مذهب، هویتی ناقص و ناپایدار خواهد بود.

در میدان روایت، بازنده نباشیم

روزنامه جام‌جم روایت از میدان را به عنوان یک مؤلفه مهم مورد توجه قرار داد و نوشت: در روزگار ما، میدان جنگ فقط عرصه موشک و پهپاد و عملیات نیست. هرچند در این ایام خاک میهن، آسمان کشور، سرداران شهید، دانشمندان گرانقدر و جان‌برکفان نیروهای مسلح ما هدف دشمن قرار گرفته‌اند اما امروز «ذهن‌ها» و «باورها» نیز به میدان نبرد تبدیل شده‌اند. در این میان، مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد، مهم این است که مردم چه چیزی را باور می‌کنند.
به همین دلیل، جنگ‌ها را دیگر فقط ارتش‌ها نمی‌برند، این رسانه‌ها، روایتگران، شبکه‌های اجتماعی و افکار عمومی‌اند که نتیجه را رقم می‌زنند. اگر ملتی بخواهد بازنده جنگ روایت‌ها نباشد، باید مالک روایت خود باشد. نباید منتظر بماند تا دیگران برایش داستان بنویسند و بعد به دنبال تکذیب و توجیه بدود. روایت‌ها باید به‌سرعت، دقیق، انسانی و چندوجهی ارائه شوند. نه فقط به زبان فارسی بلکه با زبانی که جهان آن را بفهمد: زبان رسانه، تصویر، آمار و احساس.
اعتماد، مهم‌ترین سرمایه در جنگ روایت‌هاست. اگر همیشه یک‌طرفه روایت کنیم یا هرگز اشتباهات خود را نپذیریم، مردم حتی واقعیت‌های درست را هم باور نمی‌کنند. روایتگری مؤثر، ترکیبی از صداقت و مهارت است. هیچ اشکالی ندارد که رسانه بگوید حمله‌ای آسیب‌زا بوده یا جان‌هایی را گرفته است. برعکس، پذیرش واقعیت با لحنی انسانی و حرفه‌ای، اعتبار و اعتماد می‌آورد. اگر در میدان نبرد بتوان شکست را با جان و خاک جبران کرد، در میدان روایت، بازنده‌بودن می‌تواند به معنای تحقیر، انزوا، سوءتفاهم جهانی و بی‌اعتمادی داخلی باشد.
پس پیش از هر واکنش نظامی، دیپلماتیک یا اقتصادی، باید از خود بپرسیم: آیا روایت خود را ساخته‌ایم؟ آیا ذهن مردم را آماده کرده‌ایم؟ آیا در جنگ تصویرها، تنها مانده‌ایم؟ در عصر جنگ روایت‌ها، پیروز کسی است که باور عمومی را با خود همراه می‌کند نه فقط با قدرت بلکه با صداقت و روایت انسانی.

گزارش

عضو حقوقدان شورای نگهبان:

مشروعیت NPT با حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران متزلزل شد

اقدامات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، نه تنها نقض صریح حقوق بین‌الملل و تعهدات مندرج در معاهده NPT محسوب می‌شود، بلکه اساس نظام جهانی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را با بحران مشروعیت روبه‌رو می‌کند.

عباسعلی کدخدایی، عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان در گفت‌وگویی ضمن تسلیت ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای اقتدار ملی اظهار داشت: اصل مسئولیت‌جمعی به عنوان پایه و اساس نظام بین‌الملل شناخته می‌شود، این اصل بعد از شکل‌گیری جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول و به طور مشخص پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت. اصل مسئولیت جمعی هنگام پیش آمدن یک تجاوز، متوجه همه دولت‌هاست، اینگونه نیست که تنها یک دولت مسئولیت داشته باشد و دولت‌های دیگر مسئولیتی نداشته باشند. نظام جدید و مدرن بین‌الملل که ایجاد شد، این نظام را با این ریشه و پایه شناختیم که همه دولت‌ها باید برای صلح و امنیت بهتر تلاش کنند، بنابراین اگر تجاوزی صورت می‌گیرد، تنها دو دولت درگیر نیستند بلکه همه دولت‌ها باید گام بردارند. باید متجاوز را تنبیه کنند که در این رابطه سوابق و نمونه‌هایی داشتیم. همچنین اگر پرداخت غرامتی لازم باشد، باید تعیین شود. این استاد دانشگاه گفت که تنبیه متجاوز از همه موارد مهم‌تر است تا جامعه بین‌الملل در آینده شاهد تجاوز دیگری نباشد.

■ توسل نشدن به زور برای همه دولت‌ها لازم‌الاجراست

این عضو حقوقدان شورای نگهبان در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره حمله رژیم‌صهیونیستی به ایران عنوان کرد: رژیم جعلی صهیونیستی مشروعیت اولیه و ذاتی ندارد. او به زور خودش را بر مردم منطقه و فلسطین تحمیل کرده است. رژیم اشغالگر قدس اگر سازمان ملل متحد در جایی قطعنامه داشته، نادیده گرفته و با اتکا بر حمایت‌های دولت امریکا و برخی دولت‌های غربی به انجام اقدامات خود پرداخته است. تجاوز اخیری که رژیم‌صهیونیستی علیه مردم ایران داشت، موضوع آشکاری بود و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد، این تجاوز آشکار و ناقض حقوق بین‌الملل است. وی به موضوع توسل‌نشدن به زور در حقوق بین‌الملل نیز اشاره کرد و گفت: این اصل از پایه‌های نظام بین‌الملل است که در منشور ملل متحد هم به آن توجه شده و قاعده‌ای لازم‌الاتباع برای همه دولت‌هاست. وقتی موضوعی یا مشکلی وجود دارد که می‌توان از طرق گوناگون حل کرد، تجاوز معنا و مفهومی ندارد، البته ادعاهایی که رژیم‌صهیونیستی داشته بی‌پایه و اساس بوده است. جمهوری اسلامی ایران براساس اسناد مختلف بین‌المللی و توافقنامه‌هایی که با آژانس انرژی اتمی داشته، فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای داشته است، اما رژیم جعلی صهیونیستی براساس ادعایی حمله‌ای انجام داد و دولت امریکا نیز حمایت کرد و به تجاوزات‌شان ادامه دادند.

■ لزوم تکرار قطعنامه ۴۸۷ علیه رژیم‌صهیونیستی

کدخدایی در ادامه به حملات رژیم‌صهیونیستی در سال ۱۹۸۱ به مراکز هسته‌ای عراق اشاره کرد و گفت: شورای امنیت در آن موقع جلساتی برگزار کرد که به صدور قطعنامه ۴۸۷ منجر شد که در آن از فعالیت هسته‌ای عراق حمایت و تجاوز رژیم‌صهیونیستی محکوم شد، این قطعنامه به اتفاق آرا تأیید شد و الزام به جبران خسارت نیز برای رژیم‌صهیونیستی در نظر گرفته شد.
وی اضافه کرد: به تازگی دیدم در نامه‌ای که وزیر امور خارجه کشورمان برای دبیرکل سازمان ملل ارسال کرده به این قطعنامه استناد شده است. ما باید مفاد این قطعنامه را پیگیری کنیم. در آن قطعنامه اشاره شده که اگر هر دولتی و رژیمی بخواهد از پیش خود حمله‌ای به تأسیسات هسته‌ای کند، نظام NPT و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از هم پاشیده خواهد شد.
این استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: وقتی که ما موافقتنامه‌هایی با آژانس بین‌المللی اتمی داریم، چه جای حمله نظامی است؟ حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای، ممکن است دولت‌های دیگر را هم ترغیب کند که در این سازمان عضو نمانند. هر دولتی که عضو NPT است، هم تعهداتی دارد و هم حقوقی، یعنی سازمان انرژی اتمی تکلیف دارد به صیانت از فعالیت‌های هسته‌ای آن کشور بپردازد.

■ آژانس انرژی اتمی جانبدارانه عمل کرد

کدخدایی همچنین اظهار داشت: مکانیسم حل و فصل اختلافات در اسناد آژانس بین‌المللی اتمی پیش‌بینی شده است. سال‌ها قبل هم که شاهد جانبداری‌هایی بودیم، تلاش‌هایی برای استفاده از این مکانیسم صورت گرفت. در مواد ۲۰ تا ۲۲ موافقتنامه با آژانس اجازه داده شده است که اختلافات ابتدا از طریق داوری و سپس از طریق روش‌های دیگر حل شود، اما باتوجه به عملکردی که آژانس داشت و جلسه‌ای که برگزار شد، نتیجه‌ای حاصل نشد، نمی‌توان امیدوار بود که از طریق این مکانیسم به چیزی رسید.
وی خاطرنشان کرد: عضویت در آژانس یک عضویت اختیاری بوده است. در موافقتنامه با آژانس تأکید شده که آژانس از تأسیسات و فعالیت‌های کشورها صیانت می‌کند و به کشورهای در حال توسعه هم کمک می‌کند که فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای داشته باشند. اکنون آژانس چه کمکی کرده و چه نتیجه‌ای داشته است؟ همه چیز یک طرفه بوده است. از ما نظارت خواسته و ما به تعهدات خود عمل کرده‌ایم، اما آژانس به تکالیفش عمل نکرده و حتی حاضر نشده است، حملات را محکوم کند. این استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران بیان داشت: در ماده ۱۰ موافقتنامه با آژانس آمده که دولت‌ها می‌توانند به دنبال تأمین منافع ملی کشورشان هر وقت خواستند، از NPT خارج شوند. اگر قرار باشد آژانس یکطرفه و جانبدارانه عمل کند و تکالیفش را عمل نکند، چه فایده‌ای دارد که در این سازمان و NPT بمانیم؟ باید خارج شویم و روی پای خودمان بایستیم. ضرورتی ندارد عضو سازمانی باشیم که هر روز علیه ما بیانیه می‌دهد و هیچ‌گونه تسهیلاتی هم در زمینه رشد فعالیت‌های هسته‌ای ما فراهم نکرده است.

■ مسئولیت مجامع بین‌المللی

کدخدایی درباره شهادت دانشمندان هسته‌ای نیز ابراز داشت: حمله به دانشمندان هسته‌ای و دانشمندان هر کشوری تأسف‌آور است. حوزه هسته‌ای حوزه بسیار گسترده‌ای است و دانشمندان در کشورهای مختلف مشغول تحقیق و توسعه در این حوزه هستند. رژیم‌صهیونیستی دانشمندان هسته‌ای ما را که در حال تحقیق و توسعه در حوزه‌های گسترده هسته‌ای بودند، مورد حمله قرار داد. وی با اشاره به قاعده تفکیک در اصول بین‌الملل اظهار کرد: در جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه باید تفکیکی بین نظامیان و غیرنظامیان به وجود آید. در جنگ اخیر خیلی از مردم عادی اعم از دانشمندان هسته‌ای هدف قرار گرفتند. متأسفانه بیمارستان‌ها نیز همچون بیمارستان‌های غزه در امان نماندند و مورد هجوم دشمن قرار گرفتند.
این عضو حقوقدان شورای نگهبان گفت: در مسائل بشردوستانه بر اصل تفکیک تأکید شده است. غیرنظامیان اگر عامدانه مورد هدف قرار بگیرند، مسئولیت بین‌المللی دارد. دولت‌های دیگر هم باید محکوم کنند، اما شاهد بودیم که رژیم‌صهیونیستی این جنایات را انجام داد و به صراحت نیز اعلام کرد. شورای امنیت و مجامع بین‌المللی اکنون کجا هستند؟ اینها قطعاً مسئولیت دارند.
وی گفت: گویا سازمان هلال احمر در حال پیگیری‌های حقوقی در این زمینه است. اگرچه سازمان‌های بین‌المللی به دلیل اینکه هژمونی استکبار بر آن حاکم است، ممکن است اقدام جدی در این رابطه انجام ندهد، اما باید پیگیری‌ها انجام گیرد و از حقوق خودمان دفاع کنیم.

■ ضرورت برآورد خسارات دقیق از سوی دولت

کدخدایی در بخش پایانی صحبت‌هایش به ارائه پیشنهادی پرداخت و گفت: برای تعیین خسارت و دریافت غرامت که ممکن است در آینده پیگیری‌هایی در این رابطه صورت بگیرد و در مجامع بین‌المللی مطرح شود، باید برآورد دقیقی داشته باشیم. وی افزود: لازم است دولت با تشکیل کمیسیونی متشکل از سازمان‌ها و دستگاه‌ها برآورد خسارات داشته باشد و آن خسارات را اصطلاحاً تقویم ریالی کند. آماده‌سازی این برآورد در انجام پیگیری‌ها کمک‌کننده خواهد بود.
این استاد حقوق دانشگاه تهران همچنین در پاسخ به سؤال مجری این برنامه گفت: در قانون مجازات پیش‌بینی شده که اگر یک فرد خارجی منافع ملی را در داخل کشور به خطر بیندازد، می‌توانیم او را مورد محاکمه قرار بدهیم. برخی شعب دادگاه‌ها به این منظور در نظر گرفته شده است.
وی در همین رابطه به پیگیری حقوقی و کیفری ترور سردار شهید سلیمانی اشاره کرد و اظهار داشت: دادگاه حقوقی رأی خود را صادر کرده است. دادگاه کیفری نیز در حال صدور رأی است. آرای این دادگاه‌ها مؤثر است، اما در خصوص اجرای آن شرایط و ترتیباتی وجود دارد.
کدخدایی تأکید کرد: ما باید به عنوان یک نظام و حاکمیت مستقل، مجرمانی را که به منافع ملی و اتباع ما متجاوز می‌شوند، محاکمه کنیم، بنابراین ضرورت دارد، محاکم داخلی‌مان پیگیری داشته باشند.

تحلیل

انفجار آگاهی

عباس سلیمی‌نمین*

این پرسش که چرا ترامپ بعد از واکنش بسیار هوشمندانه ایران به دستور حمله وی به مراکز غنی‌سازی، تحقیقاتی و پژوهشی صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان، نه تنها تهدیدات شدیداللحن خود در برابر مقابله‌به‌مثل تهران را به فراموشی سپرد، بلکه در فاصله زمانی اندکی به نمایندگی از صهیونیست‌ها به صورت یکجانبه، پرچم آتش‌بس! را به اهتزاز درآورد، پاسخی از سر تأمل می‌طلبد.
ممکن است گفته شود فردی که در جایگاه ریاست جمهوری نشانده شده تا با ترویج برتری نژادی به حل بحران‌های داخلی امریکا نائل آید، هر دم موضعی و سخنی دارد و این تغییر را نیز باید به حساب دمدمی‌مزاجی او گذاشت، اما خیر، در طرح حمله صهیونیست‌ها به ایران در هماهنگی کامل با واشینگتن برای نیل به سه هدف (نابودسازی توان غنی‌سازی، نابودی ذخایر موشکی و در نهایت براندازی) همه امکانات گرد آمده بود و حتی گروه‌های تروریست حرفه‌ای و تشکل‌های سلطنتی و مسلح تجزیه‌طلب، از مدت‌ها قبل سازماندهی و تجهیز شده بودند، بنابراین یک مسئله بسیار مهم، علاوه بر استیصال رژیم‌صهیونیستی در تحقق اهداف و شکست در استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی حامیان غربی‌اش، باید تغییر شتاب‌زده رویکرد کاخ سفید باشد.
حقیقت آن است که ترامپ تصور می‌کرد ایران تجاوز واشینگتن به قلمرو خود را با اقداماتی چون بستن تنگه هرمز پاسخ خواهد گفت، آنگاه وی به عنوان منجی گشایش یک شاهراه آبی حیاتی مبادلات اقتصادی و تجارت جهانی ظاهر خواهد شد و حملات شدیدتری علیه ایران صورت خواهد داد، اما تهران با مدیریت بسیار هوشمندانه جنگی که بر ایران تحمیل شده بود و توسعه‌اش را صهیونیست‌ها با کشاندن امریکا به آن دنبال می‌کردند، فصل جدیدی به لحاظ شناختی پیش روی جهانیان، به‌ویژه ملت‌های منطقه گشود. انتخاب بزرگ‌ترین پایگاه هوایی امریکا در خلیج‌فارس برای تلافی، آن هم به ترتیبی خاص، پیام‌های متعدد و متنوعی برای مخاطبان مشخص منتشر ساخت. در این اقدام به صهیونیست‌ها تفهیم شد که حتی کشانده شدن مستقیم امریکا به جنگی که آنان کلید زده‌اند نه تنها هیچ آورده‌ای برای‌شان نخواهد داشت، بلکه بسیار زیانبارتر هم خواهد بود، چنانکه تکرار بمباران مراکز هسته‌ای کشورمان پس از حمله نظامی امریکا به این تأسیسات، بیانگر آن است که حتی این حرکت واشینگتن هم برای آنان دستاوردی نداشته است. مهم‌ترین پیام در حمله به پایگاه هوایی امریکا که بخش قابل توجهی از خاک قطر را به خود اختصاص داده گشودن باب تأمل در این مسئله است که پایگاه‌های نظامی امریکا در اردن، ترکیه، آذربایجان، امارات و بحرین در جریان جنگ صهیونیست‌ها علیه ایران به چه امری مشغول بوده‌اند، به عبارت دیگر، مأموریت اصلی این مقرها چه بوده است و آیا پایگاه‌های واگذار شده به حامیان غربی اصلی نژادپرستان (امریکا و انگلیس) آن‌گونه که ادعا می‌شود امنیت کشورهای واگذارکننده پایگاه را پی می‌گیرند؟ از این رو مشاهدات و مستندات غیرقابل کتمان در ۱۲روز مقابله و مقاومت در برابر تجاوز صهیونیست‌ها به ایران، به ویژه هدف‌گیری موشکی پایگاه امریکا در قطر، نوعی انفجار آگاهی ملموس در منطقه و جهان بود.
بر اساس آنچه بر همگان مکشوف شد، واقعیت آن است که برخلاف میل ملت‌های مسلمان، پایگاه‌های واگذار شده به واشینگتن (از سوی حاکمان کشورهای یادشده) مأموریت اصلی‌شان پشتیبانی از اشغالگران فلسطین است، به تعبیری دیگر، این تنها خاک فلسطین نیست که اشغال شده تا برج و باروی نژادپرستان جهان سرمایه‌داری (اسرائیل) در دل جهان اسلام تشکیل شود، بلکه بخش‌هایی از سایر کشورهای اسلامی نیز اشغال شده است تا از این برج و بارو پشتیبانی شود، از این رو از نگاه واشینگتن باب این انفجار آگاهی باید به سرعت بسته می‌شد، زیرا این آگاهی را ملت‌ها مدیون شجاعت کم‌نظیر رهبری، ملت و نیروی مسلح ایران می‌دانند.
برای نمونه، آیا نگاه مردم غیور ترکیه به کارکرد پایگاه واگذارشده به امریکا بر اساس ملموسات، دستخوش تغییرات اساسی نخواهد شد و سرعت اخراج امریکا از منطقه را با مخالفت‌های آگاهانه صاحبان سرزمین‌ها تسریع نخواهد کرد؟
امروز باید توجه داشت که تصمیمات با نگاه ملی به چه میزان تحول‌زاست و ایران را بیش از پیش در کانون عنایت همه ملت‌هایی که حاضر نیستند در برابر پایگاه نژادپرستی کرنش کنند، قرار می‌دهد. ورود مرجعیت در عراق به مقابله با تهدیدات نژادپرستان، به طور قطع پایگاه‌های امریکا در این کشور مسلمان غیور را به سوی حذف می‌کشاند.
برای اینکه منافع ملی ایران و سایر ملت‌های آزاده را که در این ۱۲روز حمله طی تظاهرات‌ها با حمل پرچم سه‌رنگ‌مان به حمایت از ایران در اقصی نقاط جهان به‌پا خاستند، رقم بزنیم، باید تصمیم‌گیری‌ها بر اساس عقلانیت حداکثری، تجربیات تاریخی، مصلحت‌سنجی و پیش‌بینی‌پذیری باشد. نباید اجازه داد نگاه‌های جناحی به اتحاد حداکثری ملت ایران مجدداً لطمه وارد سازد. ما اکنون با تحولاتی مواجهیم که در چارچوب تفکر ایران بزرگ و احیای تمدن در این سرزمین رقم خورده است و سرعت خروج امریکا از منطقه را (که با حمایت بی‌دریغ از نژادپرستان، ناامنی را دامن می‌زند) تسریع خواهد کرد. از این پس نگاه ملت‌ها بیش از پیش متوجه مبانی اعتقادی- فرهنگی مقاومت در برابر نژادپرستان خواهد بود که با گسترش آگاهی درصدد محو نژادپرستی است، بنابراین نابخشودنی است اگر به جای استفاده از این فرصت تاریخی برای سربلندی هرچه بیشتر ایران، کوته‌نظری جناحی را پی گیریم.

*** مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران**

گزیده خبر

رئیس جمهور:

عبور از بحران اخیر جز با حمایت رهبر معظم انقلاب ممکن نبود

با توجه به ضرورت همبستگی بین کشورهای اسلامی و با هدف گسترش همکاری‌های همه‌جانبه، جمهوری اسلامی ایران آماده است همکاری تمام‌عیاری با شورای همکاری خلیج‌فارس داشته باشد و از این رهگذر فصل نوینی را در روابط با همسایگان در حوزه خلیج‌فارس آغاز کند.
به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان در جلسه هیئت دولت با بیان اینکه وظیفه می‌دانم مراتب سپاس و قدردانی ویژه خود را از مقام معظم رهبری، بابت تدابیر داهیانه‌ای که در دوره جنگ تحمیلی ۱۲روزه و فرماندهی عالی این مقاومت ملی داشتند، ابراز کنم، اظهار داشت: بی‌تردید عبور از این بحران و نیل به ساحل امن و آرامش جز با حمایت و هدایت ایشان امکانپذیر نبود و نخواهد بود.
رئیس‌جمهور همچنین از مراجع تقلید، علمای اعلام، چهره‌های ممتاز و برجسته دانشگاهی، صاحبان قلم و روشنفکران، اهالی هنر و اصحاب رسانه و مطبوعات بابت پشتیبانی نظری و حمایت از دولت و نیروهای مسلح صمیمانه قدردانی کرد.
پزشکیان افزود: در شکل‌گیری این وحدت ملی و یکپارچگی و انسجام از نقش ایرانیان خارج از کشور که نمایشگر دلبستگی و پیوند عمیق خود با ملت و کشور بودند نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد و مراتب قدردانی و احترام نسبت به این عزیزان را نیز اعلام می‌کنم.
رئیس‌جمهور در بخش دیگری از این جلسه، سیاست همسایگی و توسعه مناسبات با کشورهای منطقه را راهبرد اصولی جمهوری اسلامی ایران دانست که دولت چهاردهم نیز اهتمام ویژه‌ای نسبت به پیشبرد آن نشان داده است و تصریح کرد: با توجه به ضرورت همبستگی بین کشورهای اسلامی و با هدف گسترش همکاری‌های همه‌جانبه، جمهوری اسلامی ایران آماده است همکاری تمام عیاری با شورای همکاری خلیج‌فارس داشته باشد و از این رهگذر فصل نوینی را در روابط با همسایگان در حوزه خلیج‌فارس آغاز کند.
پزشکیان تأکید کرد: بر این باور هستیم که خلیج‌فارس نماد صلح و همکاری بین کشورهای منطقه است و تقویت مناسبات جمهوری اسلامی ایران با همسایگان در این حوزه و به ویژه با این نهاد منطقه‌ای، حامل پیام صلح، برادری و توسعه برای همه جهان اسلام و کشورهای منطقه است. در این جلسه اعضای دولت نیز ضمن تشریح آخرین خسارات، آسیب‌ها و تأثیرات جنگ تحمیلی ۱۲روزه به حوزه تحت مدیریت ایشان، گزارش‌هایی از آخرین وضعیت رسیدگی به آسیب‌دیدگان و خسارت‌دیدگان، به خصوص در حوزه اسکان آن دسته از هم‌میهنان که خانه آنان در جریان جنایات رژیم‌صهیونیستی آسیب دیده است، ارائه کردند.

محمدمهدی صافی/ جوان

پیام‌های بدرقه تاریخی شهدای اقتدار ایران

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR، در سرمقاله شماره ۷ خود در وصف حماسه تاریخی مردم تهران در تشییع شهدای اقتدار نوشت: تهران شاهد تشییعی بود که بی‌تردید در حافظه تاریخی این ملت ماندگار خواهد شد.
پیکرهای شهدایی از متن مردم: فرماندهان نظامی، دانشمندان، کودکان و مردمانی عادی که قربانی تجاوز اخیر رژیم‌صهیونیستی شدند، بر دوش ملتی تشییع شد که سال‌هاست در تجربه‌های بزرگ تاریخی‌اش آموخته است نیروی اصلی هر دفاع، ریشه در باور جمعی دارد.
این حضور پرشور نه یک رسم تکراری و تشریفاتی، بلکه بازآفرینی همان مفهوم قدرتی بود که در جنگ تحمیلی، در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، در ملی شدن صنعت نفت و حتی پیش‌تر در مقاومت‌های پراکنده دوران قاجار و پهلوی خود را نشان داده بود. آنچه قدرت نرم خوانده می‌شود، از درون عقیده‌های عمیق اجتماعی می‌جوشد و اگر این عقبه حاضر نباشد، هیچ تجهیزات و فناوری‌ای به تنهایی ضامن امنیت نیست. صحنه‌های امروز یک بار دیگر این حقیقت ساده و عمیق را عیان کرد که اگر تابوتی کوچک بر دوش یک ملت تشییع شود، خون کودک هم می‌تواند همان کارکرد خون قهرمانان را داشته باشد، پیوند مردم و سربازان را محکم‌تر کند و سرمایه اجتماعی یک ملت را بیفزاید.
کودکان و نوجوانانی که امروز پرچم ایران را در دست داشتند، نسلی هستند که مفهوم امنیت را نه فقط از زبان رسانه‌ها، بلکه در متن زندگی روزمره تجربه می‌کنند. این مراسم معنایی فراتر از سوگواری داشت. مردم با همه تفاوت‌های ظاهری، با همه سلیقه‌های سیاسی و اجتماعی، به خیابان‌ها آمدند تا بگویند هیچ تبلیغ و عملیات روانی دشمن قادر نیست اعتبار نیروهای مسلح و حافظان وطن را در ذهن و دل‌ها مخدوش کند. این همان چیزی است که رژیم‌های متخاصم سال‌هاست برایش میلیاردها دلار هزینه کرده‌اند؛ جنگ روایت‌ها، هجمه به اعتماد عمومی و تهی کردن ذهن‌ها از احساس افتخار ملی. اما تهران جوابی روشن به این تلاش‌ها داد. مردم، قدردانی و همدلی‌شان را به صراحت و با حضور میلیونی ابراز کردند، آن هم در شرایطی که نه جنگ رسماً پایان یافته، نه تهدیدها فروکش کرده است. برای ایرانیان این حضور نماد قدرت و انسجام است؛ قدرتی که ستون اصلی دوام ایران در همه بحران‌ها بوده است.
در این تشییع، تقدیر از کسانی هم موج می‌زد که نام‌شان هرگز در رسانه‌ها پررنگ نشد؛ سربازانی که سال‌ها بی‌ادعا بر مرزها ایستادند، جوانانی که پای لانچرها جان‌شان را گرو گذاشتند و خانواده‌های آنان که سایه خطر را بر سر عزیزان خود حس کردند. امروز خون شهیدان بر پرچم سه‌رنگ ایران نشسته است و اگرچه داغ و دلهره این روزها فراموش نمی‌شود، اما از دل همین داغ، اتحاد و بیداری تازه‌ای زاده شده است که دشمن را بیش از هر قدرت موشکی و تجهیزاتی به هراس می‌اندازد.
این روزها ما بیش از همیشه نیازمند فهم ارزش امنیت و انسجام ملی هستیم. هر کس هر جایگاهی دارد، باید سهم خود را در پاسداری از این سرمایه بی‌بدیل ادا کند؛ چه در رسانه، چه در سیاست و چه در خانه‌های همین مردمی که امروز خیابان‌های تهران را به صحنه تشییع و عهد دوباره تبدیل کردند.